



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۶/۲۴

مصطفی «عمرزی»

بهای ناچیز بیان حقایق

فهرست نام های آن جوانان افغان که برای روشنگری، جان باخته اند، طویل تر می شود. به حدود آن دایره ای افزوده شده است که در سرزمین مجروح ما، آرامگاه ابدی آن فرزندان است که ایثار کردند و معنی اش قربانی بود. در این مقال، روی همان تجربه و درسی می پیچم که صد ها جوان طیف من، هر روز و در هر برهه، بر آن می اندیشند و این اندیشه در تنوع کار رسانه یی، پژواک می شود تا مردم ما بر اثر آن ها آگاه شوند و بدانند که «خاین خایف» است.

شهید میرویس «جلیل»، آغازی در همان فهرستی است که پس از عبور سالیانی، نام های شهیدان زیادی در کسوت حرفه ی او، شمار آن جوانان فرهنگی و قلم به دست افغان را به درازا می برد که تا کنون، فقط برای بیان حقایق، افشای چهره ها و پرونده های خیانت، روشنیایی زنده گانی آنان، سیاه شده است.

تجربه ی کار رسانه یی در افغانستان به همان پیچ و خم مساله ی سیاسی است. تازه از دهه ی به یادماندنی مردمسالاری، به قیود جمهوری ناخواسته، عادت کرده بودند که تعریف کیش شخصیت، جزو تعاریف ایدئولوژی و سیاسی می شود و کار رسانه یی- فرهنگی، در جمادات شرایط و جمود فکری قلم به دستان، هیچی و تحمیل را با عناوین طرز افاده ی نو، تحویل جامعه می دهد.

در روزگاران سیاه حاکمیت های کمونیستی، تنظیمی و ملایی، قلم به دستان افغان که در کسوت اهل فرهنگ، کار می کردند، در دو سوی مخالف، بی هیچ پیرایه ای با دشواری هایی مواجه بودند که آنان را ناگزیر می کردند برای توجیه طرف های درگیر، همان گوشت دهنه توپ باشند که ایدئولوژی ها برای رونق شهرت، از نشانی منابع بشری، حقیقت ملت ها و کشور ها را به باد تمسخر گرفته بودند.

تا پایان حاکمیت قرون وسطایی ملایان، گزارش ها و خبر های رده های اهل رسانه، پرخاش و ستیز محور های کوچکی بودند که در حد تفکرات کوچک و روستازده روستاییان به اصطلاح سیاستگر و تنظیمی، شمرده می شدند.

جوانان زیادی در مسیر حقانیت دفاع از سرزمین که با جهاد بزرگ بر ضد روسان آغاز شده بود، در حاشیه های همان سنگلاخ هایی نیز مرده اند که مسیر های ناهموار حزبی تا جهادی، مقاومتی و ملایی بودند. در این میان در کنار هزاران قربانی قشر آگاه که در مقوله ی فرار مغز ها تعریف می شوند، صد ها جوان افغان و معدود شانس یافته گان امر تحصیل، در منجلا ب به اصطلاح خدمات فرهنگی و رسانه یی داخل و محیط هجرت، در پیامد کرداری که ارزش کمتر از ارزش گروهک های تنظیمی داشت، تجربه ی سیاه و خونین پیکار و تلاش کسانی را به یادگار گذاشتند که اگر در طول بیش از 17 تجربه ی کاری- رسانه یی نوین در افغانستان، ادبیات و یادمان های نحس حزبی، تنظیمی و ملایی، بازسازی و بازخوانی می شوند، ناشی از کالبد های بی روح در کژراهه های مسیر های نادرست گذشته نیز اند.

در هیچ زمان و به هیچ کسی اجازه ندهیم با حضور جامعه جهانی، مفهوم مزیت مردمسالاری را در سالیان اخیر، بر ما تحمیل کند. اگر بحران ها، افغانستان آرام را از مسیر درست به بی راهه کشانند، این مساله باعث نشده است تجربیات خوب، فراموش شوند.

رونق کار رسانه یی و انبوه اهل رسانه، هرچند نارسیده به مرحله ی گذار از تجربه، درمانده است، اما کمیت کرداری را ارایه کرد که با وجود این حقیقت که کار غیر حرفه بیان دلخور کننده و حقیر بود، اما بر اثر اهل خبره، ذهنیت هایی نیز ایجاد شدند تا هراس از رسوایی و اسناد افشاگر، مقداری در جهت ساماندهی و ملاحظه از کیفر، باعث اندیشه شوند.

اکنون که این مقاله را می نویسم، صنف اهل رسانه در افغانستان با پشت سر نهادن بیش از 17 سال، همانند سدی به نظر می آید که گرچه شکننده و نا استوار است، اما به عنوان دردر قابل ملاحظه برای جنایت پیشه گان، خاینان و مزدوران، خط و نشان می کشد و گاه در نهایت بیان حقایق، همانند برنامه ی زنگ خطر، با تمسخر «فساد از شما، افشاگری از ما»، کنایه می زند که در صورت تخلف و انتخاب راه کج، ابزار کار خبرنگاران، گزارشگران و اهل رسانه ها در کار اند تا دمار از روزگار اهل بدکرداری درآورند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی دلیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکی په خیر و لولی

شرایط نو، گرچه زمینه های بحث گسترده در تمام عرصه ها را به وجود آوردند، اما از پدیده ی سیاست زده گی، همانند عنصر تحمیلی، برکنار نمانده اند. جوانان اهل رسانه در افغانستان، همان قدر که برای رسوایی اهل فساد و روشنایی روی معضلات تلاش کردند، در امر کار رسانه یی- سیاسی، در حالی که در مواجهه با جریان های بیرونی نوسان داشتند، این، ناشی از محیطی نیز بود که زمینه ی استخدام آنان را فراهم آورد.

فعالیت گسترده ی رسانه ها در افغانستان، هرچند کاملاً روی محور منافع ملی نیست، اما در کنار تامین نیاز های شغلی، زمینه های دیگری را میسر کرد تا جوانان بریده از رسانه های طرف، در فهمی که بر اثر تماس و نزدیکی با مساله ها یافته بودند، خودی و گاه به تنهایی، در سنگر هایی قرار گیرند که متأسفانه در صنف رسانه ها، بسیار ملی نبودند.

گزارش های بیش از 17 پیکار جوانان افغان که در صنف رسانه ها خدمت کرده اند، با تهدیدات، تحمیلات، برخورد های خشن، جراحات و قتل ها نشان می دهند که کار رسانه یی در افغانستان با وجود حُسن خدمات و روشنگری ها، هزینه های گزاف مالی و جانی داشته است. اگر از یک سو، بستر کاری باعث کسب تجربیات و آگاهی های بیشتر شده است، از سوی دیگر، شاغلان کار در حالی که از معضلات اقتصادی و نگرشی (معاش کم و برخورد های سلیقه یی کارفرما)، متأثر می شدند، بی نهایت آسیب می بینند.

شماری از رسانه ها با تعقیب مثنی غیر افغانی، تجارتي، سمتی، قومی و زبانی، مَهر های وابسته گی را روی شماری از جوانان افغان که برای اشتغال ناگزیر بودند، حک کرده اند. مخالفان مسلح که ذبح گزارشگران را کار خیر و فعالیت های آنان را در جهت رسوایی مواضع خصمانه ی خود، شرک می پندارند، صد ها جوان افغان را دچار اندیشه می سازند که پس از ایثار و تلاش برای آگاهی مردم، در نهایت قربانی می دهند و قربانی می شوند.

پیچیده گی مُعضلات سیاسی افغانستان، افغانان فعال در رسانه ها را به این فهم می رساند که در جو ترفند و معامله، اگر تلاش های آنان، هراس از رسوایی را نهادینه کرده اند، اما هرگز باعث اطمینان امنیت اقتصادی، کاری و پاداش نبوده اند.

پس از 17 سال تلاش، افغانان فعال در رسانه ها، به همان حاشیه هایی رانده می شوند که برای فرار از افشای حقایق، ساخته اند:

حرمان از حرفه، قربانی و یا هم بستن درب سخن بر مقالی ست که ملت رنجیده ی ما از مفاد آن ها، خاین و جنایتکار را می شناسند.

ثمره ی بیش از 17 سال کار رسانه یی جوانان افغان، آینه ای از حقایق ست که نه تنها روی طرز تفکر مردم اثر گذاشت، بل باعث شد در جهت شناخت خوب و بد، بیشتر بیاندیشند؛ اما تحمیلاتی که باعث گسست فکری و عملی در میان طیف فعال در رسانه های افغانی شدند، در حالی که در عقب، ایثار و دشواری های آنان را برجا گذاشتند، در جلو، دورنمای مغشوشی را می سازند که هیچ تضمینی برای پاداش تلاش های موثر در جهت ترویج مردمسالاری، آزادی بیان، دفاع از منافع ملی و ارج گذاشتن به حقوق بشری نمی دهند.